****

[**(مسألة 331)** 1](#_Toc487114033)

[حکم قرائت ملحون در نماز طواف 1](#_Toc487114034)

[کلام محقق خویی ره 1](#_Toc487114035)

[بررسی کلام محقق خویی ره 2](#_Toc487114036)

[کلام مرحوم امام ره 2](#_Toc487114037)

[روایات دال بر صحت نماز ملحون 4](#_Toc487114038)

[مناقشه در دلالت روایات 4](#_Toc487114039)

[نظر مختار 5](#_Toc487114040)

**موضوع**: حکم نماز طواف ملحون /نماز طواف /حج، واجبات طواف

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

(مسألة 331)

إذا كان في قراءة المصلي لحن ‌فان لم يكن متمكنا من تصحيحها فلا إشكال في اجتزائه بما يتمكن منه في صلاة الطواف و غيرها و أما إذا تمكن من التصحيح لزمه ذلك فان أهمل حتى ضاق الوقت عن تصحيحها فالأحوط أن يأتي بصلاة الطواف حسب إمكانه و أن يصليها جماعة و يستنيب لها أيضا.[[1]](#footnote-1)

## حکم قرائت ملحون در نماز طواف

### کلام محقق خویی ره

محقق خوئی فرموده: اگر مکلف متمکن باشد و لو با تلقین دیگری و یا تاخیر تا آخر وقت از تصحیح قرائت، تصحیح قرائت بر او واجب است و اگر متمکن نباشد و قاصر باشد، مثل این که اصلا زبانش مشکل دارد و یا زبان مادریش به نحوی است که نمی تواند عربی صحیح را یاد بگیرد و حروف را از مخارج آن اداء کند، در این صورت به همین نماز با قرائت ملحونه اکتفاء می شود.

اما اگر مقصر باشد، علم اجمالی داریم که یکی از سه چیز بر او واجب است، یا خودش نماز با قرائت ملحون بخواند و یا اقتداء به دیگران در نماز طواف یا فریضه دیگری بکند و یا استنابه کند، علم اجمالی منجز است و باید هر سه کار را احتیاط انجام دهد.

#### بررسی کلام محقق خویی ره

البته محقق خوئی باید طبق صناعت فتوا به وجوب احتیاط می داد، و لکن احتیاط در فتوا داده و شاید از باب تسهیل بر مردم چنین کرده است، چون فتوا دادن را واجب نمی داند و راه را برای رجوع به غیر باز کرده، چون فتوای احتیاط در مواردی است که علم اجمالی منجز وجود دارد و به دیگری هم نمی شود رجوع کرد، اما احتیاط در فتوا، قابل رجوع به دیگران است.

به نظر ما گاهی حج، حج نیابی است و گاهی حج خود مکلف است، اگر حج نیابی باشد، قابل تصحیح نیست، لذا اگر نائب بتواند قرائت صحیحه را ولو با تلیقین انجام دهد، فهو، و گرنه اصل نیابتش اشکال دارد، زیرا نیابت عاجز از واجب اختیاری می شود، مثل این که عاجز از طواف را نائب برای حج کنند، این استنابه اشکال دارد، زیرا ظاهر ادله استنابه، انصراف به حج تام دارد و شامل حج ناقص از سوی انسان معذور نمی شود.

### کلام مرحوم امام ره

مرحوم امام که سختتر می گرفت و می فرمود فرقی ندارد که عجز از حج تام، عذر طاری باشد یا غیر طاری، لذا اگر کسی در ابتداء مشکلی نداشته و در اثناء حج عاجز از حج تام شود، نیابتش محل اشکال است، اما دیگران در عجز طاری، قائلند برای نیابت مشکلی پیش نمی آید، زیرا متعارف بوده که نائب در میانه راه عاجز شود و روایاتی که درباره اعمال عاجزین وارد شده، طبعا برخی از این ها نیز نائب بوده اند.

البته به نظر ما گرچه حج مذکور، مجزی از حجة الاسلام منوب عنه نیست، اما به عنوان حج مستحب از منوب عنه صحیح واقع می شود، (نه از طرف خودش، زیرا حجِ از سوی خود مباین با حج از سوی غیر است و این دو عنوان قصدی است) اما کسانی مثل مرحوم امام که معتقدند حج واجب طبیعت مباینی با حج مستحب است، مثل نماز ظهر و عصر، می شود از باب ما قصد لم یقع و ما وقع لم یقصد.

اما اگر حجِ از خود باشد و نه به نیابت از دیگری، محقق خوئی در این جا سه فرض مطرح کرده بود، یکی این که بتواند قرائت صحیحه را بیاورد، ولو با تاخیر نماز به آخر وقت و یا با تلقین دیگری، مرحوم امام در مناسک فارسی فتوا داده به این که با تلقین هم اگر می تواند نماز صحیح بخواند، باید چنین کند، گرچه در تحریر احتیاط واجب داده و ظاهرا وجهی برای عدم فتوا نیست.

اما مرحوم امام تاخیر تا آخر وقت را لازم نمی داند و فرموده در همان زمان و بعد از طواف نماز با قرائت ملحونه بخواند، و لکن این نظریه وجهی ندارد، زیرا امام که موالات بین طواف و نماز طواف را به احتیاط واجب قبول دارد و بر فرض هم فتوا به وجوب بدهد، باز هم نماز طواف باید به نحو صحیح خوانده شود و وقتی قرائت صحیح متوقف بر تاخیر است، باید تاخیر بیندازد تا با قرائت صحیحه نماز طواف را بجا آورد.

ممکن است نظر مرحوم امام در احتیاط در تلقین و همچنین در فتوا به عدم وجوب تاخیر، به جهت برخی روایات باشد که در آن آمده کسی که بر عربی صحیح قادر نیست، خدا نماز با همان نحو ملحون را از او می پذیرد و ممکن است مرحوم امام این روایات را مطلق بداند، چون روایت نگفته کسی را برای این که تو را تلیقین دهد، اختیار کن.

### روایات دال بر صحت نماز ملحون

موثقه سکونی: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّ الرَّجُلَ الْأَعْجَمِيَّ مِنْ أُمَّتِي لَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ بِعُجْمَتِهِ فَتَرْفَعُهُ الْمَلَائِكَةُ عَلَى عَرَبِيَّتِهِ.[[2]](#footnote-2)

به این تقریب که اطلاق روایت، لزوم تلقین یا تاخیر را نفی می کند.

موثقه مسعدة بن صدقة: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّكَ قَدْ تَرَى مِنَ الْمُحَرَّمِ مِنَ الْعَجَمِ- لَا يُرَادُ مِنْهُ مَا يُرَادُ مِنَ الْعَالِمِ الْفَصِيحِ وَ كَذَلِكَ الْأَخْرَسُ فِي الْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ وَ التَّشَهُّدِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ فَهَذَا بِمَنْزِلَةِ الْعَجَمِ وَ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَادُ مِنْهُ مَا يُرَادُ مِنَ الْعَاقِلِ الْمُتَكَلِّمِ الْفَصِيح[[3]](#footnote-3)‏

مقصود از محرّم از عجم، عجمی است که با عرب اختلاط نداشته و لذا لهجه عربی پیدا نکرده است.

#### مناقشه در دلالت روایات

به نظر ما این دو روایت شامل کسی که قادر بر قرائت صحیح ولو با تلیقین است نمی شود، زیرا موثقه سکونی درباره قرائت قرآن است و واضح نیست که از آن به نماز الغاء خصوصیت شود و بر فرض که الغاء خصوصیت هم بشود، و اطلاق داشته باشد، باز ظاهرش رجل اعجمی است که قادر بر قرائت صحیحه نیست، و گرنه کسی که می تواند با تلقین، قرائت صحیحه داشته باشد، عرفا قادر بر قرائت صحیحه است.

و همین طور است موثقه مسعده بن صدقة، زیرا گفته از محرم از عجم آن چه از عرب فصیح خواسته شده، خواسته نشده، اما نگفته از او چه چیزی خواسته شده و شاید از او خواسته شده باشد که با تلقین یا تاخیر، نماز صحیح بخواند و اگر نشد، قرائت ملحونه بیاورد.

### نظر مختار

لذا اقوی این است که اگر با تلقین یا تاخیر بتواند قرائت صحیحه بجا آورد، نماز با قرائت ملحونه از او مجزی نیست.

1. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 143](http://lib.eshia.ir/21006/1/143) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص221، أبواب ، باب30، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/221/باللحن) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص136، أبواب ، باب59، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/136/الاخرس%20فی%20القراءه) [↑](#footnote-ref-3)